



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم اداری و اقتصادی

گروه علوم سیاسی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته روابط بین الملل

نقش ایالات متحده امریکا

در انقلاب رز در گرجستان (۲۰۰۳) و انقلاب لاله در قرقیزستان (۲۰۰۵)

استادان راهنما

دکتر عنایت الله یزدانی

دکتر علی بصیری

استادان مشاور

دکتر علی امیدی

پژوهشگر

طاهره اخوان

مهر ماه ۱۳۹۰

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات
و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان
نامه متعلق به دانشگاه اصفهان است.

با سپاسگذاری فراوان از اساتید محترم :

دکتر عنایت الله یزدانی

دکتر علی بصیری

دکتر علی امیدی

و دکتر سعید وثوقی

که در دوران تحصیل همواره از رهنمودهایشان بهره مند شدم.

تقدیم به پدر و مادرم

که نخستین بار قلم را در دستان کوچکم نهادند

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تشریح نقش ایالات متحده در انقلاب‌های رز در گرجستان و لاله در قرقیزستان انجام گرفته است. روش تحقیق تحلیلی- توصیفی است. بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در ایالات متحده سیاست مداخله گرایانه فعال شد و نومحافظه کاران جمهوری خواه از دو روش همزمان برای تغییر در کشورهای هدف در راستای دموکراسی سازی استفاده کردند. آنها در عراق و افغانستان از روش سخت و نظامی بهره بردند و در مناطقی مثل آسیای مرکزی و قفقاز از روش نرم استفاده کردند. در واقع سیاست استفاده از قدرت نرم ادامه سیاست واشنگتن پس از فروپاشی شوروی در منطقه اوراسیا بود که به طور سنتی منطقه تحت نفوذ روسیه محسوب می شد. دو کشور قرقیزستان و گرجستان که در این پژوهش انتخاب شدند با انواع مشکلات داخلی روبرو بودند. هر دو کشور از بحران هویت، مشروعیت، کارآمدی و بحران توزیع رنج می کشیدند. در شرایط گذار به دموکراسی از توسعه نامتوازن ضربه خوردند. حکومت اقتدارگرای آنها در عین حالیکه درصدد قبضه کردن قدرت و ثروت کشور بودند، عناصری از حکومت دموکراتیک مثل فضای باز رسانه ای، فعالیت سازمانهای غیر دولتی، تشکلهای دانشجویی و ... را نیز دارا بودند. این فضای دو گانه اجازه تشکیل اپوزیسیون شامل دانشجویان، روشنفکران و بروکراتهای مخالف دولت را می داد. سازمانهای غیر دولتی عربی به خصوص بنیاد سوروس از طریق آموزش مستقیم و غیر مستقیم اپوزیسیون مستعد این دو کشور با صرف هزینه های هنگفت آنها را آماده اجرای تغییر دولت کرد. اپوزیسیون نیز از نارضایتی مردم بر اثر فقر، فساد و تبعیض بهره برد و انقلاب رنگی کلید خورد. در واقع ایالات متحده بذر انقلاب رنگی را در بستر حاصلخیز کشورهای منطقه اوراسیا پاشید و با دقت با استفاده از روشهای نرم و مسالمت آمیز آن را هدایت کرد. انقلاب های رنگی زنجیروار و سریع در منطقه رخ دادند که در سال ۲۰۰۳ به گرجستان و سال ۲۰۰۵ به قرقیزستان رسید. هرچند رویکرد دولتهای برکنار شده ضد امریکایی نبود ولی دولتهای حاصل از انقلاب رنگی تمایل بیشتری به غرب داشتند. ابزار ایالات متحده در انقلاب رنگی طیف متنوعی از ابزار سیاسی مثل سفارتخانه های امریکایی تا ابزارهای اقتصادی مثل کمکهای مالی و ابزارهای فرهنگی مثل سازمانهای غیر دولتی و موسسات پژوهشی را در بر می گیرد.

واژگان کلیدی

انقلاب رنگی، انقلاب لاله، انقلاب رز، دموکراسی سازی، سیاست خارجی امریکا

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول : کلیات پژوهش
۱	۱-۱) شرح و بیان مسئله پژوهشی
۳	۲-۱) واژه‌ها و اصطلاحات کلیدی
۴	۳-۱) پیشینه تحقیق
۶	۴-۱) اهداف تحقیق
۶	۵-۱) اهمیت و ارزش تحقیق
۷	۶-۱) فرضیه و سوال‌های تحقیق
۷	۷-۱) محدودیت‌های تحقیق
۷	۸-۱) کاربردهای نتایج تحقیق
۸	۹-۱) روش تحقیق
۸	۱۰-۱) ابزار جمع‌آوری داده‌ها
۸	۱۱-۱) سازماندهی تحقیق
	فصل دوم : بررسی نظری انقلاب‌های رنگی با تأکید بر انقلاب رز گرجستان و لاله در قرقیزستان
۹	۱-۲) مقدمه
۱۱	۲-۲) تعریف انقلاب‌های رنگی
۱۳	۳-۲) آیا انقلاب‌های رنگی انقلاب هستند؟

صفحه	عنوان
۱۳ ۲-۳-۱) مخالفان
۱۴ ۲-۳-۲) موافقان
۱۵ ۲-۴) انقلاب رنگی : چیستی و چگونگی
۱۹ ۲-۵) علل انقلابهای رنگی
۱۹ ۲-۵-۱) علل داخلی
۱۹ ۲-۵-۱-۱) علل سیاسی
۲۴ ۲-۵-۱-۲) علل اقتصادی
۲۷ ۲-۵-۲) علل بین المللی
۲۸ ۲-۵-۳) علل اختصاصی
۲۹ ۲-۵-۳-۱) قرقیزستان
۳۱ ۲-۵-۳-۲) گرجستان
۳۳ ۲-۶) رویکردهای نظری
۳۴ ۲-۶-۱) دموکراسی سازی
۳۶ ۲-۶-۲) صلح دموکراتیک
۳۸ ۲-۷) نتیجه گیری

فصل سوم: سیاست خارجی آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز

۴۰ (۱-۳) مقدمه
۴۲ (۲-۳) اهداف ایالات متحده در منطقه اوراسیا
۴۴ (۳-۳) سیاست خارجی ایالات متحده در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز پس از فروپاشی شوروی
۴۸ (۴-۳) سیاست خارجی ایالات متحده در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز پس از ۱۱ سپتامبر
۵۴ (۵-۳) نتیجه گیری

فصل چهارم: زمینه های شکل گیری انقلاب رز گرجستان و لاله در قرقیزستان

۵۶ (۱-۴) مقدمه
۵۷ (۲-۴) انقلاب رز گرجستان ۲۰۰۳
۵۸ (۱-۲-۴) گرجستان قبل از انقلاب رز
۶۰ (۲-۲-۴) انقلاب رز فصل نوبنی در تاریخ گرجستان
۶۵ (۳-۴) انقلاب لاله قرقیزستان ۲۰۰۵
۶۷ (۱-۳-۴) قرقیزستان پیش از انقلاب رنگی
۶۹ (۲-۳-۴) انقلاب لاله فصل نوبنی در تاریخ قرقیزستان
۷۴ (۴-۴) نتیجه گیری

فصل پنجم: نقش ایالات متحده در انقلابهای رنگی گرجستان و قرقیزستان

عنوان	صفحه
..... (۱ - ۵) مقدمه	۷۶
..... (۲ - ۵) الگوی مشترک انقلابهای رنگی	۷۷
..... (۳ - ۵) نقش سیاسی ایالات متحده در انقلابهای رز گرجستان و لاله قرقیزستان	۷۹
..... (۱ - ۳ - ۵) بنیاد جامعه باز	۸۱
..... (۴ - ۵) نقش فرهنگی ایالات متحده در انقلابهای رز گرجستان و لاله قرقیزستان	۸۶
..... (۵ - ۵) نقش اقتصادی ایالات متحده در انقلابهای رنگی گرجستان و قرقیزستان	۸۹
..... (۶ - ۵) نتیجه گیری	۹۲
..... جمع بندی و نتیجه گیری	۹۳
..... منابع و ماخذ	۹۸

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱) شرح و بیان مسئله پژوهشی

انقلابهای رنگی اصطلاحی است که به تغییرات اجتماعی در کشورهای به جامانده از فروپاشی شوروی اطلاق میشود، اولین بار در چکسلواکی در ۱۹۹۸ رخ داد و با انقلاب ۲۰۰۳ گرجستان بر سرزبانها افتاد. شاید لفظ انقلاب برای این پدیده خیلی مناسب نباشد چرا که انقلاب، تغییرات همه جانبه در تمام شدن سیاسی کشور و به یکباره است ولی انقلابات رنگی صرفا جابه جایی نخبگان حکومت در پی یک انتخابات است. با این حال اصطلاح انقلاب رنگی دیگر در ادبیات سیاسی تثبیت شده است.

در بررسی علل و عوامل بروز این وقایع برخی متمرکز بر نیروها و عوامل داخلی میشوند، برخی بر دخالت بیگانگان در این حوادث تاکید می کنند و عموماً مجموعه ی این دو رویکرد را مناسب تبیین انقلابات رنگی می دانند. (عسگری ۱۳۸۴: ۸۳) این پژوهش صرفاً به نقش ایالات متحده در انقلابهای رنگی در کشور گرجستان و قرقیزستان به عنوان یکی از عوامل درگیر در انقلاب رز و انقلاب لاله ای می پردازد.

این دو کشور با بحرانهای داخلی تقریباً مشابهی روبرو بودند. ضعف و فساد حکومت به جدایی طلبی قومی، مشکلات اقتصادی و نفوذ بیگانگان به خصوص روسیه که میراث دوران ابرقدرتی شوروی بود. به علاوه بحران مشروعیت در این دو کشور باعث شده تا روند ملت سازی - دولت سازی در این کشورها ناکامل باشد و هویت ملی یکپارچه شکل نگیرد. در این اثنا در این کشورها موج دموکراسی خواهی و توجه به حقوق بشر تحت تاثیر تبلیغات رسانه های غربی به خصوص امریکا از یک طرف و روندهای جهانی شدن از طرف دیگر قرار گرفتند و انقلابهای رنگی به عنوان راهی برای رسیدن به دموکراسی و حقوق بشر اتفاق افتاد (شبان فاریابی، ۱۳۸۷: ۱۳۸)

اهمیت این منطقه برای امریکا صرف نظر از نزدیکی به روسیه، مسئله انرژی و امنیت انرژی است که نیاز به دولتهای با ثبات، آرام و یکپارچه دارد. بنابراین سیاست خارجی ایالات متحده در این منطقه چند هدف اصلی داشت: تقویت مکانیزمهای سیاسی - اقتصادی کشورهای منطقه، برقراری دولت دموکراتیک، حمایت از حقوق بشر و ایجاد نظارت بازار آزاد در این کشورها. بنابراین امریکا با استفاده از سازمانها و بنیادهای دولتی و غیر دولتی در منطقه برای خود جای پا باز کرد. مثلاً اجرای اصلاحات سیاسی در منطقه از طریق برنامه های کمک، دیپلماسی عمومی و خصوصی و حمایت از سازمانهای غیر دولتی را پیش بینی کرده بود. (پانفیلو ۱۳۸۵: ۳۴)

پژوهش حاضر نیز به دنبال یافتن و توصیف اهداف و ابزارها و راهکارهای ایالات متحده برای گسترش نفوذ خود در این منطقه است و آنرا به عنوان یکی از عوامل شکل گیری و وقوع انقلابهای رنگی مورد بررسی قرار می دهد. این پژوهش ابتدا با طرح اهمیت ژئواستراتژیک آسیای مرکزی قفقاز به تشریح اهداف و سیاستهای ایالات متحده بعد از فروپاشی شوروی می پردازد. سپس با معرفی مختصر شرایط داخلی و منطقه ای دو کشور قرقیزستان و گرجستان، سیر تحولات منجر به انقلابهای رنگی در این دو کشور را عنوان می کند و در مرحله آخر مولفه های حضور و دخالت امریکا در این دو انقلاب را به تفکیک بیان می کند. در این راستا از نظریات واقعگرایانه برای تبیین سیاست خارجی امریکا و مفهوم نظری دموکراسی سازی برای تحلیل شرایط دو کشور گرجستان و قرقیزستان بهره می برد. در واقع با تأکیدی که واقع گرایان بر دولت و نقش محوری آن دارند حتی فعالیتهای نهادهای مدنی را در چارچوب دولت تحلیل می کنند و مهمترین هدف دولت را کسب امنیت در جهان

می‌دانند. در این راستا دولت ایالات متحده در پی امنیت بیشتر در جهان پس از فروپاشی شوروی است. جهانی که تروریسم، بنیادگرایی و مشکلات فراملی آنرا تهدید می‌کند. بنابراین به دنبال کسب امنیت خویش از راه بسط ارزشهای دموکراسی در کشورهای اقتدارگرایی است که از فروپاشی شوروی باقی مانده‌اند و مستعد پذیرش ارزشها و فرهنگ غربی هستند

(۲-۱) واژه‌ها و اصطلاحات کلیدی

(۱-۲-۱) سیاست خارجی (Foreign Policy):

سیاست خارجی به اولویت بندی و هماهنگی منافع خارجی متفاوت کشور می‌پردازد و محور سیاسی و اصلی روابط خارجی هر کشور را تشکیل می‌دهد. (هیل، ۱۳۸۷: ۲۶)

(۲-۲-۱) انقلاب (Revolution):

تغییر و دگرگونی نسبتاً ناگهانی و عمده در توزیع ثروت و جایگاه اجتماعی (اچ. گرین، ۱۳۸۷: ۳)

(۳-۲-۱) انقلاب رنگی (Color Revolution) :

حرکتهای غیر خشونت آمیزی اطلاق می‌شود که علیه دولتهای کمونیستی باقی مانده از شوروی سابق در آسیای مرکزی و اروپای شرقی به وجود آمدند و به فروپاشی آنها و روی کار آمدن زمامداران جدیدی منجر شدند که عموماً به غرب گرایش دارند. (یزدان فام، ۱۳۸۷: ۵۷)

(۴-۲-۱) انقلاب لاله ای (Velvet Revolution) :

در مارس ۲۰۰۵ اولین و تنها رییس جمهور مستقل قرقیزستان، عسگر آقایف، بعد از یک تظاهرات خیابانی مختصر از کشور فرار کرد رهبران مخالفان به سرکردگی قربان بیک باقی‌اف قدرت را در دست گرفتند. این حادثه به سرعت لقب انقلاب لاله ای را کسب کرد. (Cummings, 2008: 223)

(۵-۲-۱) انقلاب گل رز (Rose Revolution) :

با اعلام نتایج اولیه انتخابات پارلمان در سال ۲۰۰۳ از سوی کمیسیون مرکزی انتخابات احزاب مخالف به نتیجه انتخابات اعتراض کردند اما رییس جمهور گرجستان بی‌اعتنا به این مخالفتها فرمان تشکیل اولین جلسه

پارلمان را صادر کرد و در جریان برگزاری این مراسم میخیل ساآکاشویلی و همراهانش با در دست داشتن شاخه ای گل رز وارد مجلس شدند. با آغاز درگیری و ورود نمایندگان مخالف و طرفدارانش به مجلس پارلمان به تصرف کامل مخالفان در آمد به دنبال این رویداد شواردناده حالت فوق العاده اعلام کرد اما با مقاومت نیروهای مخالف و سقوط دیگر نهادها و ارگانهای دولتی رییس جمهور ظرف ۴۸ ساعت مجبور به استعفا شدند. ساآکاشویلی یک ماه بعد در انتخابات ریاست جمهوری ۹۶/۲۵ درصد آرا را کسب کرد و نام این اقدام خود را انقلاب آرام یا مخملین قرار داد. (حافظی، ۱۳۸۴: ۳۵-۳۶)

۱-۳) پیشینه تحقیق

انقلابهای رنگی پدیده جدیدی است ولی با اینحال به دلیل نزدیکی جغرافیایی و حساسیت نسبت به سیاستهای ایالات متحده، در این باب تحقیقات و پژوهشهای قابل قبولی انجام گرفته است. ولی بیشتر به شکل مقاله بوده و همان طور که در پی خواهد آمد نقطه ضعفهایی وجود دارد که این تحقیق در پی اصلاح آن است. آنچه در ادامه می آید تمام ادبیات موجود نیست ولی دست چینی از معتبرترین آنهاست که به موضوع این پژوهش بیشترین شباهت را دارد.

معصومه شبان (۱۳۸۷) در مقاله «عوامل داخلی و خارجی در شکل گیری انقلاب رنگی گرجستان» با تمرکز بر انقلاب رز گرجستان به بررسی نقش دخالت امریکا در آن می پردازد. نکته اصلی این مقاله نقش مسایل داخلی گرجستان مثل بحران حکومت داری، مشکلات اقتصادی، جدایی طلبی قومی و بحران دولت - ملت سازی در فرایند دخالت امریکا در بروز این انقلاب است. در این راستا دو عامل ساختاری و کارگزاری مورد توجه این مقاله است و از نظریه وابستگی ساختاری (توسعه وابسته)، دولت سازی - ملت سازی و نظریه دموکراسی سازی استفاده شده و جامعه مدنی، کمارا (جنبش دانشجویی)، رسانه ها و نخبگان مخالف، بازیگران این انقلاب معرفی شده اند و نقش امریکا نیز به نقش فرهنگی، نقش سیاسی و نقش اقتصادی به تفکیک بررسی شده است

واعظی (۱۳۸۶) کتاب «ژئوپلیتیک بحران در آسیای مرکزی و قفقاز (بنیانها و بازیگران)» را در ۱۰ فصل به نگارش در آورده است. بعد از بحث نظری، ژئوپلیتیک اوراسیا مورد بررسی قرار گرفته، فصل ۲ به منابع داخلی، منطقه ای و بین المللی بحران در منطقه می پردازد. فصل ۳ متمرکز بر بحث قومیت است. فصل ۴ تا ۷ زمینه ها، بنیانها و نحوه شکل گیری بروز سه بحران اصلی منطقه: قره باغ، جنگ داخلی تاجیکستان و بحران

چچن مورد بررسی قرار گرفته است. فصل ۸ اهداف ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک قدرتهای منطقه ای و فرا منطقه ای به ویژه روسیه ، امریکا ، چین ، ایران و ترکیه را مطرح کرده است. دو فصل آخر نیز به موضوع انقلابهای رنگی و الگوی رفتاری امریکا و روسیه در فرایند آنها پرداخته است. در این کتاب رویکردی واقع گرایانه انتخاب شده است.

کتاب « جنگ نرم ۵ ، براندازی نرم در کشورهای مدل » (۱۳۸۶) در چهار بخش تدوین شده و هر بخش آن به قلم یک نویسنده می باشد و نظارت و تدوین نهایی بر عهده معاونت پژوهشی موسسه ابرار معاصر تهران بوده است. بخش اول با عنوان نگاهی به پروژه امریکایی ایجاد شبکه هایی از مسلمانان میانه رو تلخیص شده است که برگرفته از پژوهشی مفصل با عنوان با این نام از سوی مرکز سیاست عمومی خاورمیانه موسسه رند در سال ۲۰۰۷ است. به طور کلی نشان می دهد که متفکران این مرکز معتقدند حضور کاتالیزورهای خارجی ایجاد و تقویت شبکه های میانه رو در جهان اسلام را تسریع خواهد کرد. در بخش دوم که براندازی نرم : مطالعه موردی گرجستان نام دارد که رضا جنیدی تالیف کرده به طور خاص به مطالعه موردی انقلاب گل سرخ گرجستان در سال ۲۰۰۳ پرداخته است. بخش سوم کتاب براندازی نرم در جمهوری لتونی که عباس کاردان آن را ترجمه کرده است . دیدگاه یک حامی این انقلاب را بیان می دارد. بخش چهارم و انتهایی کتاب براندازی نرم : مطالعه موردی شیلی نام گذاری شده که فیروزه میر رضوی آن را ترجمه کرده است و دلایل اصلی ناکامی النده ، میزان نفوذ سازمانهای جاسوسی امریکا و نوع رفتارهای طبقه های اجتماعی و اقتصادی شیلی در برابر امواج تغییر را بیان می کند.

عسگری (۱۳۸۴) در مقاله « نقش بازیگران خارجی در انقلابهای رنگی ، مورد انقلاب رز گرجستان » از ۳ رویکردی که به بررسی عوامل انقلاب رنگی می توان داشت (نقش عوامل داخلی ، نقش عوامل خارجی و رویکرد تلفیقی) به بررسی نقش عوامل خارجی در وقوع این انقلاب می پردازد. در تشریح نقش بازیگران دولتی نظیر امریکا ، روسیه و مجموعه اروپا و بازیگران غیر دولتی نظیر بنیاد سوروس ، جنبشهای مدنی و دانشجویی ، نهادها و موسسات دموکراتیک خارجی ، شبکه ها و کانالهای تلویزیونی خصوصی و ... اشاره شده است . در پایان نسبت به استمرار روند انقلابهای رنگی و پایان راه این انقلابها نکاتی بیان شده است.

کولایی (۱۳۸۴) در کتاب «افسانه انقلاب رنگی» به گردآوری مباحث مطرح شده در جلسات برنامه اوراسیای مرکزی درباره تحولات کشورهای گرجستان ، اوکراین و قرقیزستان و تغییر مسالمت آمیز حاکمان این کشورها پرداخته که در ۴ بخش تنظیم شده است . ۴ بخش این کتاب با نامهای انقلاب گل سرخ ، انقلاب

نارنجی ، انقلاب لاله ای و پیامدهای منطقه ای و جهانی نام دارد. در هربخش ۲ مقاله توسط نویسندگان مختلف نوشته شده که به تحولات و پیامدها و ریشه های انقلابهای مذکور می پردازند . عمده این مباحث نیز خلاصه مقالات ارائه شده در همایش هستند و سیر منطقی نگارش یک کتاب را ندارند.

به طور کلی ، پژوهش حاضر با کارهای انجام شده قبلی متفاوت است. پژوهش مجزایی با عنوان پیشنهادی پژوهش حاضر وجود ندارد. ادبیات موجود در این زمینه ناقص است . در موارد بررسی شده اغلب تنها بخش کوچکی از کتاب یا مقاله مورد نظر به بررسی نقش امریکا در انقلاب رنگی پرداخته که البته مربوط به انقلاب قرقیزستان هم نمی شود . در بسیاری از این مکتوبات نیز از پایه تئوریک مشخصی استفاده نشده است. بنابراین بررسی مفصل و مجزای نقش ایالات متحده در انقلاب رنگی گرجستان و قرقیزستان با کمک تحلیل تئوریک پیشنهادی جدید و تازه می باشد

۱-۴) اهداف تحقیق

- ۱- تبیین نقش ایالات متحده در انقلاب رنگی در کشور گرجستان در سال ۲۰۰۳ .
- ۲ - تبیین نقش ایالات متحده در انقلاب رنگی در کشور قرقیزستان در سال ۲۰۰۵ .

۱-۵) اهمیت و ارزش تحقیق

- ۱- تغییرات سیاسی واجتماعی در همه کشورها رخ می دهند و همه آنها نیز از الگوهای ثابتی چون انتخابات ، کودتا ، انقلاب و جنگ تبعیت می کنند. این تغییر و تحولات که به جابه جایی قدرت در کشورها می انجامد ، همیشه برای تحلیلگران سیاسی و پژوهشگران جذاب بوده است.
 - ۲- پدیده انقلاب رنگی پدیده جدیدی است که مربوط به تغییرات سیاسی در کشورهای بازمانده از فروپاشی شوروی است و حتی گفته می شود در برخی از کشورهای خاورمیانه مثل لبنان و کویت نیز اتفاق افتاده است . اهمیت مطالعه انقلابهای رنگی به علت شیوه جدید و قابل ملاحظه ای است که برای تغییرات سیاسی در کشورهایی رخ می دهد که مسیر دموکراسی را طی می کنند ولی هنوز روند دولت سازی- ملت سازی را طی نکرده اند . دارای جامعه مدنی هستند ولی هنوز هویت ملی و یکپارچگی قومی ندارند . امکان تسری این انقلابها به دیگر کشورها با شرایط مشابه ، مطالعه این پدیده را با اهمیت جلوه می کند.
- بعد از فروپاشی شوروی توجه همگان به ایالات متحده به عنوان هژمون جهانی است که با کشورهای بلوک شرق چه نوع تعاملی برقرار می کند . رقابت امریکا و روسیه بر سر نفوذ در مناطق جهان همچنان ادامه دارد

. هرچند علت اصلی علاقه به مناطقی چون آسیای مرکزی و قفقاز صرفاً رقابت با روسیه نیست و مسایلی چون بنیادگرایی، امنیت انرژی و انرژی هسته‌ای موضوعات مهمی هستند که ایالات متحده را به بذل توجه به کشورهای این منطقه ترغیب می‌کند. این منطقه همچنین حوزه رقابت فرهنگی و اقتصادی ایران و امریکا است. پس تبیین رویکرد امریکا به این منطقه برای ما با ارزش است.

۳- گرجستان و قرقیزستان دو کشوری در قفقاز جنوبی هستند که حوزه فرهنگی ایران به شمار می‌آیند و بنابراین مطالعه آنها برای ما لازم است.

۱-۶) فرضیه‌ها و سوالهای تحقیق

نقش ایالات متحده در وقوع و شکل‌گیری انقلاب رنگی در کشور گرجستان در سال ۲۰۰۳ چه بوده است؟

امریکا چه نقشی در وقوع و شکل‌گیری انقلاب رنگی در کشور قرقیزستان در سال ۲۰۰۵ چه بوده است؟

امریکا به منظور گسترش نفوذ خود در منطقه قفقاز در روند تغییر آرام قدرت در گرجستان در سال ۲۰۰۳ دخالت داشته است.

امریکا به منظور گسترش نفوذ خود در منطقه آسیای مرکزی در روند آرام قدرت در قرقیزستان در سال ۲۰۰۵ دخالت کرده است.

۱-۷) محدودیت‌های تحقیق

از محدودیت‌های این تحقیق نبود منابع دست اول در رابطه با موضوع تحقیق بود. معمولاً ناکامی‌های دستگاه‌های اطلاعاتی به وفور در مطبوعات و سطح افکار عمومی بررسی می‌شود ولی موفقیت‌های آنها مسکوت می‌ماند و این نکته باعث اختلال در تحلیل پژوهشگران می‌شود. پدیده انقلاب رنگی در مدت زمان کوتاهی و با منابع کمی برای تحلیل رخ دادند، بسیاری از منابع موجود هم جانبدارانه و بدون پرهیز از اصل بی‌طرفی است. در مجموع کار تجزیه و تحلیل اطلاعات در رابطه با انقلاب‌های رنگی مشکل به نظر می‌رسد.

۱-۸) کاربرد نتایج تحقیق

پژوهش حاضر متمرکز بر اهداف و منافع ایالات متحده در منطقه آسیای مرکزی و به خصوص قفقاز جنوبی در فضای پس از جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی است و به طور خاص بر نقش این کشور در تحولات سیاسی گرجستان و قرقیزستان تاکید دارد. که می تواند برای پژوهشگران، دانشجویان و اساتید و متخصصان حوزه آسیای مرکزی و قفقاز مفید باشد

۱-۹) روش تحقیق

روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی می باشد و در ابتدا به تبیین اهداف و منافع امریکا در آسیای مرکزی پرداخته و سپس به تحلیل عملکرد این کشور در انقلابهای رنگی می پردازیم

۱-۱۰) ابزار جمع آوری داده ها

ابزار گردآوری داده ها به صورت کتابخانه ای و اینترنتی خواهد بود.

۱-۱۱) سازماندهی تحقیق

پژوهش حاضر در ۵ فصل طراحی شده است. فصل اول کلیات تحقیق می باشد. در فصل دوم چارچوب نظری تحقیق تبیین می شود. در این فصل ابتدا واژه های کلیدی تحقیق به تفصیل بیان می شود و سپس رویکرد نظری پژوهش که دموکراسی سازی است تشریح می شود. در فصل سوم سیاست خارجی ایالات متحده در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به خصوص پس از جنگ سرد و سالهای منتهی به انقلابهای رنگی بررسی می شود. فصل چهارم علل و عوامل شکل گیری انقلابهای رز در گرجستان و لاله در قرقیزستان نام گرفته است. این فصل بیشتر به شرایط عمومی و اختصاصی در دو کشور گرجستان و قرقیزستان بررسی می شود. این فصل بیشتر رویکرد داخلی دارد. فصل انتهایی، به طور خاص به نقش ایالات متحده در بروز و پیروزی انقلابهای رنگی می پردازد. در این فصل نقش سیاسی، اقتصادی و فرهنگی امریکا در گرجستان و قرقیزستان به تفکیک بررسی می شود. در انتهای فصل جمع بندی مطالب آورده می شود.

فصل دوم

بررسی نظری انقلابهای رنگی با تاکید بر انقلاب رز گرجستان و لاله

در قرقیزستان

۲-۱) مقدمه

تغییرات سیاسی در کشورها، همیشه مورد توجه ناظران داخلی و خارجی قرار می گیرد. این تغییرات سیاسی معمولاً از طریق انقلاب، انتخابات و کودتا و جنگ صورت می پذیرد. اینها نمونه کلاسیک تغییرات سیاسی به شمار می روند. اما در عصر جهانی شدن، به خصوص در دوره پسا شوروی تغییرات اجتماعی و سیاسی نیز همپای دیگر مسایل عمده جهان دستخوش متحول شد. واژه هایی چون جنبشهای جدید اجتماعی، جنگ نرم، دیپلماسی عمومی، تغییرات مسالمت آمیز و انقلاب رنگی حجم زیادی از مکتوبات سیاسی و اجتماعی را به خود

اختصاص دادند. اغلب این عبارات ترکیبات ظاهرا متناقضی به شمار می آیند. ترکیب میان جنگ و واژه نرم، دیپلماسی که مربوط به حوزه تخصصی وزارت خارجه است با واژه عمومی که آنرا مربوط به عموم مردم و مخاطب عام قرار می دهد و در نهایت انقلاب رنگی که با حذف وجهه خشونت آمیز انقلاب آن را با واژه رنگی تلطیف می کند. انقلابهای رنگی عمدتا به سلسله تغییراتی گفته می شود که در کشورهای برجامانده از فروپاشی شوروی پس از برکناری انتخابات پارلمانی یا ریاست جمهوری اتفاق افتاد. در این جمهوری ها حکومتهای نیمه اقتدارگرا توسط اعضای سابق حزب کمونیست تشکیل شده بود. این حکومتها گرچه ظاهر دموکراتیک داشتند و چه بسا آمالشان نیز حکومتهای دموکراتیک غربی بود. ولی به دلیل عدم وجود فرهنگ سیاسی مشارکتی و ضعف جامعه مدنی از یکسو و تمایلات اقتدارطلبانه حاصل ۷۰ سال حکومت کمونیستی رهبران در عمل رفتار اقتدارگرایانه و انحصارطلبانه داشتند. بنابراین در این رژیمها جامعه مدنی شکل نگرفت و راه ابراز مخالفت مدنی مردم محدود شد. البته پیوندهای قومی که در برابر وفاداری ملی قدعلم می کردند نیز به این مشکلات اضافه شد. در این شرایط گروههای مخالف اغلب خصلت قومی و طایفگی خود را نگه می داشتند و اپوزیسیون قدرت طلب درونی رهبری اعتراضات گسترده در سطح کشور را به عهده می گرفت.^۱ البته نباید نقش سازمانهای غیر دولتی را که با هدف گسترش دموکراسی و ارزشهای لیبرالی در این کشورها فعالیت می کردند نادیده گرفت. در این میان نقش سفیر امریکا (ریچارد مایلز) که به سفیر برانداز مشهور شد به شدت قابل توجه است و این ظن را به وجود آورد که تمامی این حوادث حاصل نقشه از پیش تهیه شده ایالات متحده بوده است. اما پس از سپری شدن این تحولات اغلب تحلیلگران به جنبه ها و دلایل درونی بروز انقلابهای رنگی پرداختند و انشقاقی میان نظریه پردازان منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به وجود آمد. برخی بر اهمیت دلایل درونی و اختصاصی این کشورها تاکید می کردند و برخی دلایل خارجی و بین المللی و به خصوص نقش ایالات متحده را پررنگ می کردند. در این شرایط از نظریات مختلفی استفاده شد تا رویکرد ایالات متحده به این منطقه توجیه شود. رقابت با روسیه، اهمیت این منطقه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به خاطر جنگ با تروریسم و بحث انرژی و ذخایر نفت و گاز این منطقه از دلایل مهم این گروه عنوان شد. اما دو نظریه دموکراسی سازی و صلح دموکراتیک اغلب پایه تئوریک این مباحث برای توجیه رویکردهای مداخله جویانه ایالات متحده پس از شوروی چه به صورت جنگ در عراق و چه به صورت جنگ نرم در انقلابهای رنگی منطقه آسیای مرکزی و قفقاز را تشکیل می داد. وجهه مشترک این دو نظریه استفاده از ابزار دموکراسی برای ایجاد تغییرات در کشورهای هدف است. چه از منظر واقع گرایانه

۲ اپوزیسیون قدرت طلب درونی در واقع جناحهای رقیب صاحبان قدرت هستند و هدف آنها بیشتر تصرف کرسی های قدرت است تا^۱ تغییر در سیاستها. (بشیریه ۱۳۸۲: ۵۱۳)

دموکراسی سازی به این تحولات نگاه کنیم و چه رویکرد لیبرالی صلح دموکراتیک را بپذیریم ، ایالات متحده راه حل مشکلات خود در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز و خاورمیانه را در گسترش و اشاعه دموکراسی یافته است و از ابزار جنگ یا آموزشهای مستقیم و مداخله جویانه بهره می برد.

در این فصل ، همانطور که اشاره شد موضوع محوری تبیین نظری انقلاب های رنگی است قسمت اعظم بحث روی تعاریف و نظریات متمرکز است و دو انقلاب کشورهای قرقیزستان و گرجستان مثالی برای شفافیت بیشتر تعاریف خواهند بود. دو کشوری در اوراسیا که پیوندهای خاص و مشترکی با ایران دارند. در این راستا نخست از تعریف انقلاب شروع می کنیم و با برشمردن ویژگیهای انقلاب رنگی به تفاوتهای آن با انقلاب کلاسیک اشاره کرده تا در بخش بعدی با تقسیم بندی جدید ، انقلاب رنگی را به عنوان ابزار جنگ نرم معرفی می کنیم . در نهایت نیز با برشمردن دلایل انقلاب رنگی هر دو گروه دلایل خارجی و داخلی را عنوان کرده و در قسمتی جداگانه رویکرد ایالات متحده نسبت به اشاعه دموکراسی را با توجه به نقش پررنگ این کشور و سازمانهای غیردولتی غربی در این حوادث با شرح دو نظریه دموکراسی سازی و صلح دموکراتیک تحلیل می کنیم.

۲-۲) تعریف انقلاب رنگی

سلسله رویدادهایی که در کشورهای اوکراین ، گرجستان و قرقیزستان افتاد و منجر به سقوط دولتهایشان شد، ابتدا در نشریات به انقلاب رنگی مشهور شد و از آنجا به محافل اکادمیک هم راه پیدا کرد . ولی در حوزه علم واژه ها معانی دقیقی دارند و نمی شود بدون دقت از کلمه ای برای اطلاق به یک پدیده خاص استفاده کرد. از این رو اغلب پژوهشگران با کاربرد لفظ انقلاب برای این پدیده موافق نبودند و آن را مناسب توصیف برای این وقایع نمی دانستند. چرا که پدیده انقلاب های رنگی با تعریف کلاسیک انقلاب همخوانی نداشت. انقلاب کلاسیک اینگونه تعریف می شود : کنش سیاسی جمعی و توده ای در قالب منازعه ای خشونت امیز برای قبضه قدرت دولت که درون واحد سیاسی مستقلی شکل می گیرد و در طی آن گروههای خارج از حکومت به بسیج توده ها دست می زنند. منازعه انقلابی نیازمند سازماندهی رهبری و ایدئولوژی برای بسیج است و همواره سطحی از خشونت را به همراه دارد . در عین حال انقلاب های بزرگ و کلاسیک جز تغییر حکومت نتایج کم و بیش